



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 44
Autumn 2025

Pages: 155-189

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2025.64437.2544

Received: 2024/11/09 Received in revised form: 2025/09/03 Accepted: 2025/09/22 Published: 2025/09/27

German Jewish Physicians in Iran During Reza Shah Era: A Documentary Examination of Migration and Employment

Javad Mousavi Dalini¹ | Ahmad Fazlinejad² | Sadra Sadrian³ | Arash Yousefi⁴

Abstract

This study critically examines the role and initiatives of the Iranian government regarding the recruitment of German Jewish immigrant physicians during the Reza Shah era, using a comprehensive analysis of official documents and correspondence. Adopting a documentary-library methodology and a descriptive-analytical approach, the research explores both state policies and the motivations of immigrant doctors, as reflected in their petitions and communications with Iranian authorities. The findings reveal that the Iranian government actively sought to modernize its medical infrastructure by attracting foreign medical professionals. The rise of Nazism in Germany in 1933 and the subsequent unemployment of Jewish physicians created a strategic opportunity for this initiative. However, administrative inefficiencies, political apprehensions, and legal constraints significantly hindered the full integration of these medical practitioners. The study concludes that the interaction of these enabling and limiting factors resulted in a complex dynamic that both propelled and constrained the modernization of Iran's healthcare system during this period.

Keywords: *German Jewish Physicians, Reza Shah, Medical Infrastructure, Nazism, the Modernization.*

1. Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Iran (Corresponding Author)
Javad_shirazu@yahoo.com
2. Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Iran
fazlinejad@shirazu.ac.ir
3. Master's degree, General World History, Shiraz University, Iran
sadra.sadrian94@hafz.shirazu.ac.ir
4. Ph.D Candidate in Post-Islamic History, Shiraz University, Iran
arashyousefi623@gmail.com



Publisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com



مهاجرت و استخدام پزشکان آلمانی یهودی در ایران در دوره رضاشاه، به روایت اسناد و مکاتبات

جواد موسوی دالینی^۱ | احمد فضل‌نژاد^۲ | صدرا صدریان^۳ | آرش یوسفی^۴

چکیده

موضوع این پژوهش بررسی نقش و اقدامات دولت ایران براساس اسناد و مکاتبات رسمی و همچنین تحلیل انگیزه‌ها و اقدامات پزشکان مهاجر آلمانی یهودی از طریق مطالعه درخواست‌ها و مکاتبات آن‌ها با دولت ایران است که با تکیه بر اسناد و مکاتبات دولتی و به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش توصیفی تحلیلی موردبررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. یافته پژوهش حاکی از آن است که دولت ایران برای نوسازی زیرساخت‌های درمانی تلاش‌هایی برای جذب پزشکان خارجی انجام داد و عواملی مانند به قدرت رسیدن نازیسم در آلمان در سال ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م و بی‌کار شدن پزشکان یهودی، این روند را تسهیل کرد و امکان استخدام برخی از این پزشکان را برای دولت ایران فراهم ساخت. باین‌حال، ناکارآمدی‌های اداری، نگرانی‌های سیاسی و محدودیت‌های قانونی، مانع بهره‌برداری کامل از این ظرفیت شدند. درنهایت، مطالعه حاضر تأکید می‌کند که ترکیبی از فرصت‌ها و چالش‌ها در این فرایند، هم‌زمان باعث پیشرفت و محدودیت در نوسازی نظام سلامت ایران طی دوره رضاشاه شده‌است.

کلیدواژه‌ها: پزشکان آلمانی یهودی، رضاشاه، زیرساخت‌های درمانی، نازیسم، نوسازی.

Javad_shirazu@yahoo.com

fazlinejad@shirazu.ac.ir

sadra.sadrian94@hafz.shirazu.ac.ir

arashyousef623@gmail.com

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، ایران

۳. کارشناس ارشد تاریخ عمومی جهان، دانشگاه شیراز، ایران

۴. دانشجوی دکتری تاریخ بعد از اسلام، دانشگاه شیراز، ایران



مقدمه

بررسی سال‌های حکومت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۳۰ش) برای درک تاریخ معاصر ایران اهمیت زیادی دارد. این دوره با تحولات عمیق در تمام زمینه‌ها، به‌ویژه تحت تأثیر تمایل رضاشاه به نوسازی کشور، همراه بود. دولت با جدیت سیاست‌های توسعه‌گرایانه و مدرن‌سازی زیرساخت‌ها را دنبال می‌کرد. یکی از حوزه‌های اصلی نوسازی در این دوره، بخش بهداشت و درمان بود. اقداماتی مانند ساخت درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها، اعزام دانشجویان به خارج برای تحصیل در رشته‌های مرتبط با پزشکی، خرید تجهیزات پیشرفته درمانی از خارج، و استخدام پزشکان، متخصصان و پرستاران خارجی با هدف تکمیل کادر درمانی و آموزش علمی نیروهای ایرانی انجام شد. با این حال، کمبود منابع مالی، فاصله ایران از کشورهای پیشرفته، و شهرت آن به‌عنوان کشوری توسعه‌نیافته، اجرای این اقدامات را برای دولت دشوار کرده بود اما رضاشاه برای پیشبرد اهداف نوسازی کشور، به جذب کارشناسان خارجی نیاز داشت و آلمانی‌ها، به‌صورت رسمی و غیررسمی، نقشی کلیدی در تأمین این نیاز ایفا کردند، زیرا آلمان که پس از شکست در جنگ جهانی اول در تلاش بود قدرت پیشین خود را بازسازی کند، به‌ویژه در زمینه اقتصادی به دنبال بازارهای جدیدی برای نیروی انسانی متخصص مازاد و محصولات خود می‌گشت. در همین راستا، این کشور پایه روابط اقتصادی خود با ایران را تقویت کرد و با گسترش فعالیت‌های اقتصادی در ایران و ترکیه، در صدد جبران زیان‌های وارده از جنگ جهانی اول برآمد. به‌طوری‌که در نوشته‌های سفرای آلمانی در ایران مانند ویپورت فون بلوشر، به تمایل دولت آلمان برای تأمین نیروی انسانی متخصص موردنیاز ایران اشاره شده و درباره تغییر رویکرد این کشور که دیگر به استفاده انحصاری از اتباع آلمانی در کشورهای غربی محدود نبود، خبر داده شده و آگاهی‌رسانی انجام گشته‌است (Von Blücher, 1949: 332).

مهاجرت نیروی کار آلمانی یهودی به ایران به علت آن بود که با قدرت‌گیری آدولف هیتلر، ناسیونالیست افراطی آلمانی، در سال ۱۹۳۳ میلادی، نازی‌ها سیاست‌های یهودستیزی گسترده‌ای را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آغاز کردند. این سیاست‌ها به اخراج یهودیان از مشاغل مختلف منجر شد و موجی از مهاجرت گسترده آنان را به دنبال داشت؛ پدیده‌ای که بعدها به یکی از بحران‌های جهانی تبدیل شد. در سال‌های اولیه

حکومت رایش سوم، یهودیان از ادارات دولتی، رسانه‌ها، بورس، بخش کشاورزی، آموزش، هنر، سینما و تئاتر به‌طور سیستماتیک طرد شدند، درحالی‌که تحریم‌های رسمی علیه اشتغال یهودیان در حرفه‌های حقوقی، پزشکی و بازرگانی تا سال ۱۹۳۸ میلادی قانونی نشد، تا پایان دوره چهارساله نخست حکومت نازی‌ها، یهودیان عملاً از این عرصه‌ها حذف شده بودند. یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفتند، پزشکان یهودی بودند (شایرر، ۱۳۶۰: ۳۸۲). براساس برنامه «داروینیسیم اجتماعی» و ایدئولوژی «پاکی نژادی» نازی‌ها، شمار زیادی از پزشکان یهودی و حتی پزشکان زن آلمانی از مشاغل خود برکنار شدند. درحالی‌که پزشکان زن آلمانی این امکان را داشتند که در جایگاه‌های دیگری مانند قابله یا ماما فعالیت کنند، پزشکان یهودی عملاً بی‌کار گشته و از کار در آلمان محروم شدند. این تحولات باعث شد بسیاری از پزشکان یهودی به مهاجرت روی آورند. در سپتامبر ۱۹۳۳ میلادی، با آغاز موج نخست مهاجرت یهودیان از آلمان، سازمان‌های یهودی در برلین اقداماتی را برای تسهیل این روند آغاز کردند. این اقدامات شامل یافتن مقصد مناسب برای مهاجران، انتقال کالاها و منابع مالی آنان، مذاکره برای تضمین حداقل مزد و ارائه فهرست‌های متقاضیان مهاجرت به سفارتخانه‌ها بود و براساس مکاتبات تاریخی، یکی از این فهرست‌ها که از سفارت ایران در ورشو ارسال شده بود، شامل ۱۴۷ کارشناس آلمانی یهودی بود که براساس تخصص دسته‌بندی شده بودند. فهرستی مشابه نیز از سفارت ایران در ترکیه دریافت و برای بررسی به تهران ارسال شد. درنهایت در سال ۱۹۳۵ میلادی، سازمان‌های یهودی در آلمان برای مدیریت بهتر این مهاجرت‌ها، در قالب یک کمیته مرکزی ادغام شدند.

در خصوص پیشینه تحقیق گفتنی است، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مهاجرت آلمانی‌ها در خصوص حضور و فعالیت کارشناسان صنعتی و فنی آنان در دوره رضاشاه است، اما موضوع مهاجرت و فعالیت پزشکان آلمانی، به‌ویژه پزشکان آلمانی یهودی، کمتر موردتوجه پژوهشگران قرار گرفته‌است و مطالعات محدودی در این زمینه وجود دارد. به بیان دیگر، درباره مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران به‌منظور فرار از نازیسم نیز پژوهش مستقلی که به‌طور جامع بر این موضوع تمرکز داشته باشد، در دسترس نیست. در این راستا، به چند پژوهش با بیشترین میزان اهمیت و ارتباط به موضوع پژوهش اشاره می‌شود:

شهرضایی در پژوهشی به نام «دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰)» که در سال ۱۳۷۴ براساس اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران انجام داده، به بررسی موضوع مهاجرت کارشناسان آلمانی پرداخته‌است. وی با تحلیل دقیق ۱۱۲ صفحه سند، سیر تحولات و تصمیم‌گیری‌های دولت ایران در خصوص مهاجرت کارشناسان آلمانی یهودی را به صورت زمان‌بندی شده تشریح کرده‌است. ویلم فلور در پژوهش خود به نام «تاریخ بیمارستان‌ها در ایران: از سال ۵۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی» که در سال ۱۴۰۰ منتشر شده‌است، به تاریخچه بیمارستان‌ها در ایران از دوران ساسانیان تا پایان حکومت پهلوی دوم پرداخته‌است. وی در این پژوهش، به طور ویژه به نقش و فعالیت پزشکان و کادر درمان آلمانی در نظام سلامت ایران اشاره کرده‌است. ورنر رودر و هربرت اشتراوس در کتابی به نام *فرهنگنامه بین‌المللی زندگینامه مهاجران اروپایی مرکزی (۱۹۳۳-۱۹۴۵)* که در سال ۱۹۹۹ میلادی به چاپ رسیده‌است، فهرستی از اسامی کلیه مهاجران یهودی از اروپای مرکزی ارائه کرده‌اند که در آن به نام برخی پزشکان یهودی مهاجر به ایران نیز اشاره شده‌است. هرچند اطلاعات موجود در این اثر جامع و کامل نیست، اما به دلیل کمبود منابع معتبر در این حوزه، می‌توان آن را دست‌کم به عنوان منبعی اولیه برای ارائه فهرستی از نام‌ها به پژوهشگران، مورد استفاده قرار داد.

پژوهش حاضر با استفاده از منابع تاریخی معتبر، به بررسی تأثیر پزشکان مهاجر آلمانی یهودی بر سیستم بهداشت و درمان ایران پرداخته و تلاش دارد تا با تکیه بر اسناد دولتی، تصویری روشن از نقش و اقدامات این گروه ارائه دهد. این پژوهش که به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای انجام شده، از اسناد دست‌اول سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بهره گرفته و بر تحلیل ابعاد گوناگون این مسئله تمرکز دارد. پرسش اصلی این پژوهش این است که زمینه‌ها و دلایل مهاجرت پزشکان یهودی آلمانی چه بوده و فرایند استخدام آن‌ها توسط دولت ایران چگونه بوده‌است؟

۱. فرصت‌ها و چالش‌های مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران در دوره رضاشاه

یکی از کشورهایی که توجه پزشکان یهودی مهاجر را به خود جلب کرد، ایران بود.

پزشکان یهودی متخصص آلمانی درخواست‌های متعددی به دولت ایران ارائه دادند و شرایطی مناسب برای مهاجرت پیشنهاد کردند. این شرایط شامل دریافت دستمزد اندک و وعده آوردن تمامی ابزارها و تجهیزات پزشکی موردنیاز به ایران بود، تجهیزاتی که در آن زمان کشور به‌شدت به آن‌ها نیاز داشت. با این حال، به نظر می‌رسد دولت ایران در سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۴ ش (۱۹۳۴-۱۹۳۶ م) فاقد سیاستی یکپارچه در قبال این مسئله بود و نتوانست تصمیمات مناسب و کارآمدی اتخاذ کند. براساس اسناد موجود، نخستین واکنش سیاست‌گذارانه دولت ایران نسبت به مسئله مهاجرت متخصصان آلمانی در دوره رضاشاه، نامه‌ای از سفارت ایران در آلمان به وزارت امور خارجه بود. این نامه بر کمبود پزشکان ماهر در ایران و نیاز به جذب پزشکان خارجی تأکید داشت و خواستار بازنگری در قانون تازه تصویب‌شده مجلس شورای ملی شد که ورود پزشکان بیگانه به ایران را محدود می‌کرد. این قانون که در زمان ریاست حسین دادگر در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۱۲ ش به تصویب رسید، براساس بند دوم خود، ورود پزشکان خارجی را مشروط به تعیین محل طبابت آن‌ها توسط «صحیه کل مملکتی» کرده بود. حسنعلی غفاری، وزیرمختار وقت ایران در بلژیک و نویسنده این نامه، معتقد بود که این بند عملاً مانع ورود پزشکان خارجی می‌شود؛ چراکه بسیاری از پزشکان بیگانه حاضر نبودند با کار در مناطق دورافتاده ایران آینده شغلی خود را به خطر بیندازند. پزشکان خارجی بر این باور بودند که منافع شخصی و نفوذ پزشکان بومی ممکن است آن‌ها را به مناطق دورافتاده و کم‌فرصت سوق دهد (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۸۲۴). تصویب قوانینی برای محدودیت طبابت پزشکان خارجی در ایران بی‌دلیل نبود. پزشکان بریتانیایی سال‌ها بخش اعظمی از سیستم بهداشتی و درمانی ایران را در کنترل خود داشتند و از آن برای تأمین منافع دولت متبوعشان استفاده می‌کردند. به‌عنوان نمونه، دولت ایران تلاش داشت کنترل پست‌های قرنطینه در بنادر جنوبی کشور، که برای مدت‌ها تحت مدیریت بریتانیایی‌ها بود، به دست بگیرد؛ تلاشی که نهایتاً در سال ۱۳۰۷ ش به ثمر رسید (الگود، ۱۳۵۲: ۸۲۵). افزون بر این، رضاشاه با توجه به دیدگاه‌های ملی‌گرایانه خود به بیگانگان بدبین بود و فعالیت‌های آن‌ها در ایران را، جز در موارد خاص، محدود کرده و تحت نظارت قرار می‌داد.

۱.۱. سیاست‌ها و تضادها در فرایند جذب پزشکان یهودی آلمانی در دوره رضاشاه

با تشدید مسئله مهاجران آلمانی یهودی، دولت ایران تلاش کرد فهرستی جامع و دقیق از متقاضیان مهاجرت و تخصص‌های آنان تهیه کند (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۷۵۵۸). در این راستا، سفارت ایران در برن سوئیس جست‌وجوی گسترده‌ای در میان متقاضیان مهاجرت و گروه‌هایی که به یهودیان فراری از آلمان کمک می‌کردند، انجام داد. هدف این بررسی، گردآوری اطلاعات کاملی از پیشینه زندگی، فعالیت‌ها و تخصص‌های آنان در آلمان بود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین انگیزه دولت ایران برای پذیرش این مهاجران، مسئله دستمزد آن‌ها بوده‌است. نادر آراسته، وزیرمختار وقت ایران در لهستان، با خوش‌بینی اشاره می‌کند: «بررسی‌ها نشان داده‌است که در کشورهای مختلف اروپایی، دستمزد دانشمندان یهودی مهاجر تفاوت محسوسی با حقوق متخصصین داخلی ندارد. از این رو، میزان دستمزد آن‌ها وابسته به شرایط کشور میزبان تعیین می‌شود، زیرا بسیاری از آن‌ها مایل به زندگی و کار در کشورهای شرقی هستند و مهاجرت به این کشورها را به راحتی می‌پذیرند» (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۷۵۰/۹۰۷).

با افزایش بحث‌های سیاسی میان وزارتخانه‌های مختلف، مسئله جذب و استخدام پزشکان آلمانی یهودی به طور جدی در دستور کار بخش‌های مختلف دولت قرار گرفت. گزارش و توصیه‌های حسنعلی غفاری، وزیرمختار ایران در بلژیک، مبنی بر بهره‌گیری از مهارت و تجربه پزشکان یهودی در فرایندهای نوسازی حکومت رضاشاه، بررسی‌های گسترده‌ای را در میان نهادهای دولتی برانگیخت. در پاسخ به نامه سفارت ایران در بروکسل، «صحیة کل مملکتی» اعلام کرد که هیچ مانعی برای استخدام این پزشکان وجود ندارد؛ با این حال، تأکید کرد تا زمانی که تهران به پزشک نیاز داشته باشد، امکان اعزام پزشکان به استان‌ها فراهم نخواهد شد (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۱۸۶۹۱). حدود یک هفته بعد، «صحیة کل مملکتی» در نامه‌ای دیگر به وزارت امور خارجه، جذب پزشکان آلمانی را مشروط به مقررات داخلی ایران دانست (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۳۲۱۳۴). هم‌زمان، وزیر امور خارجه، باقر کاظمی، در استعلامی از نخست‌وزیر محمدعلی فروغی خواستار نظر وی درباره این موضوع شد. فروغی پیشنهاد کرد رویکردی متعادل میان تشویق و محدودیت در جذب متخصصان آلمانی اتخاذ شود (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۳۲۱۳۴) و در سند دیگری نیز استخدام آنان را

مقرون به صرفه ارزیابی کرد (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۶۶۴۱). با این حال، وزیر داخله، محمود جم، که فهرستی از پزشکان، داروسازان و دندان‌پزشکان مهاجر را برای بررسی ارسال کرده بود، با مخالفت نسبی مواجه شد؛ زیرا در پاسخ، نخست‌وزیر تأکید کرد که ابتدا باید نظر «صحیة کل مملکتی» جویا شود و در پایان نیز اظهار داشت که در ایران داروساز یهودی به حد کفایت وجود دارد و نیازی به استخدام افراد جدید از خارج نیست (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۳۸۳۳۹/۳۰۳۱۶؛ ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۷۴۰۹). این ادعای وجود پزشکان و داروسازان یهودی در ایران بی‌اساس نبود. یهودیان ایران به‌ویژه در حوزه پزشکی افراد توانمندی به‌شمار می‌رفتند. دکتر جان ویشارد، پزشک آمریکایی، در سفرنامه خود اشاره می‌کند که یهودیان ایران در امور دارو و درمان از هوش بالایی برخوردارند و یکی از آنان برای یازده سال دستیار جراحی او در بیمارستان بوده‌است (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۸۰). اوژن اوبن، سیاح و دیپلمات فرانسوی نیز در کتاب خود تأکید می‌کند که پیشه طبابت به‌طور انحصاری در قلمروی تخصصی یهودیان ایران بوده‌است (اوبن، ۱۳۶۳: ۳۰۹). با این حال، باید اذعان کرد که سطح علمی پزشکان و داروسازان یهودی ایرانی، قابل قیاس با هم‌تابان آلمانی آنان که در بهترین مؤسسات علمی اروپا آموزش دیده بودند، نبود.

به نظر می‌رسد دولت ایران در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ش، در مواجهه با مسئله مهاجرت پزشکان و متخصصان آلمانی یهودی، سیاستی یکپارچه و منسجم نداشته‌است. این عدم انسجام در تصمیم‌گیری، ناشی از تضادهای موجود در رویکردهای مختلف به این موضوع بوده‌است. با این حال، بررسی اسناد نشان می‌دهد که یکی از رویکردهای غالب در این دوره، تلاش برای تطبیق روند جذب نیروی متخصص خارجی با شرایط و نیازهای داخلی کشور بوده‌است. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به‌عنوان یکی از ارگان‌های دخیل در این موضوع، در نامه‌ای به نخست‌وزیر، ضمن تأکید بر اهمیت جذب دانشمندان آلمانی، بر لزوم تسلط این افراد به زبان‌های فارسی یا فرانسوی به‌عنوان زبان‌های آموزشی رایج در ایران تأکید کرده‌است (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۲۵۶۴۱/۱۲۲۸۰). این شرط، به‌طور ضمنی، محدودیت‌هایی را برای مهاجرت پزشکان و متخصصان آلمانی یهودی ایجاد می‌کرد؛ چراکه بسیاری از این افراد ممکن است به زبان‌های فارسی یا فرانسوی مسلط نبوده‌اند.

۲.۱. موانع قانونی و سرنوشت ناکام مهاجران

یکی از موانع اصلی مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران، پیش‌شرطی بود که مجلس و وزارت بهداشت تعیین کرده بودند. براساس این شرط، محل خدمت پزشکان مهاجر باید با موافقت وزارتخانه مشخص می‌شد. به نظر وزیرمختار وقت ایران در پاریس، این شرط غیرضروری و غیرسازنده بود، زیرا فرصت حل مشکلات بهداشتی و درمانی ایران را از بین می‌برد و گزینه‌های موجود را محدود می‌کرد. اگرچه برخی پزشکان آلمانی یهودی در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ میلادی موفق به مهاجرت به ایران شدند، به نظر می‌رسد که بسیاری از آن‌ها در حرفه خود به موفقیت دست نیافتند. یکی از این پزشکان، دکتر هربرت شوالبه، دندانپزشکی از برلین بود. او که باور نداشت قدرت گرفتن هیتلر مسئله‌ای موقتی یا انحرافی زودگذر در دموکراسی آلمان باشد، در اکتبر ۱۹۳۳ میلادی به ایران مهاجرت کرد. به او وعده داده شده بود که مجوز افتتاح مطب دندانپزشکی دریافت خواهد کرد. با این حال، کار او در ایران موفقیت‌آمیز نبود و در سال ۱۹۳۴ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد (بچه‌های شوالبه به پدرشان کارت تبریک می‌فرستند، گیلوویچ، خانم کارن، موزه یادبود هولوکاست ایالات متحده، واشنگتن دی‌سی، آر. جی - ۱۶۴، ۹۱).

۲. نقش پزشکان و پرستاران آلمانی یهودی در توسعه نظام سلامت ایران در دوره رضاشاه

حکومت اقتدارگرا و توسعه‌طلب رضاشاه پهلوی محصول جامعه‌ای بود که بسیاری از اقشار اجتماعی و طبقه‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون خواهان حکومتی بودند که یکپارچگی، امنیت، رفاه و بهزیستی را به جامعه ایران بازگرداند و آن را به سوی مبدل شدن به کشوری نیرومند و پیشرفته سوق دهد. بر این اساس، پدید آوردن چنین دولت متمرکزی نیازمند پایه‌گذاری نهادها و فراهم آوردن ابزارهای موردنیاز بود (بختیاری و اصلاحی، ۱۴۰۳: ۵۱).

مبنای سیاست‌گذاری‌های داخلی ایران در قبال مهاجرت متخصصان آلمانی براساس الزامات توسعه‌محورانه کشوری شکل گرفته بود که با پایه‌گذاری یک دولت مدرن (دست‌کم

به لحاظ ساختاری) نیاز فراوانی به متخصصان و کارشناسان در زمینه‌های اجرایی، فرهنگی، علمی و دانشگاهی داشت. در همین راستا، «نادر آراسته» در نامه خود فهرستی از متخصصان فنی و دانشگاهی ارائه کرد که قابلیت استخدام توسط دولت ایران را داشتند. این سند از منظر تبیین دیدگاه توسعه‌محور وقت دولت ایران اهمیت محوری دارد و دو حوزه مهندسی^۱ و پزشکی بیشترین توجه را در آن جلب کرده‌است. هرچند کارشناسان آلمانی در حوزه‌های متعددی مورد توجه بودند، تمرکز سیاست‌گذاران بر حوزه درمانی و پزشکی به مراتب برجسته‌تر بود (موسوی‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۵). به نظر می‌رسد مقامات ایران به این نتیجه رسیده بودند که جذب و استخدام پزشکان آلمانی یهودی، نسبت به متخصصان در سایر زمینه‌ها، بهره‌وری بیشتری به همراه خواهد داشت و به همین دلیل بیشترین تلاش‌ها در این راستا متمرکز شد (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۵۳۵۱). با اینکه بخش پزشکی اهمیت زیادی در سیاست‌های مهاجرتی داشت، جزئیات زیادی درباره فرایندها ارائه نشده‌است؛ بیشتر اسناد بر فهرست نام پزشکان و محل خدمت آن‌ها تمرکز دارند. به‌عنوان مثال، در یکی از اسناد فهرستی شامل بیش از ۵۰ کاندیدا در رشته‌های مختلف پزشکی به وزارتخانه‌های مرتبط ارسال شده بود. این فهرست شامل متخصص گوش و حلق و بینی (۳ نفر)، میکروبی‌شناسی (۳ نفر)، سرطان‌شناسی (۲ نفر)، زنان و زایمان (۳ نفر)، اطفال (۳ نفر)، بهداشت عمومی (۲ نفر)، پوست (۲ نفر)، چشم‌پزشکی (۳ نفر)، بیماری‌های داخلی (۵ نفر)، پاتولوژی (۵ نفر)، داروسازی (۴ نفر)، جراحی (۴ نفر)، فیزیولوژی (۷ نفر)، نورولوژی (۸ نفر) و سایر تخصص‌ها بود. این اسناد صرفاً جهت تصمیم‌گیری در موارد لزوم به وزارتخانه‌ها ارسال شده بود (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۷۵۰/۹۰۷).

۱.۲ نقش پزشکان و پرستاران آلمانی یهودی در برنامه‌های نوسازی پزشکی ایران

دیدگاه سیاست‌گذارانه دولت ایران در دوره رضاشاه، مهاجران آلمانی یهودی را فرصتی برای بهبود وضعیت داخلی کشور، به‌ویژه در حوزه پزشکی، ارزیابی می‌کرد. در این چارچوب،

۱. چنان‌که ۹ نفر مهاجر برای کار در صنایع مختلف مهندسی پیشنهاد شده بودند: «معماری، صنایع مرتبط با نفت و زغال‌سنگ، برق، راه‌آهن، ساخت‌وساز در بناها، مکانیک». در واقعیت نیز یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های نوسازی و توسعه رضاشاهی در حوزه صنایع مهندسی خود را نشان می‌دهد.

کمبود پزشکان در ایران - وجود تنها یک پزشک به ازای هر پانزده هزار نفر جمعیت و مشکلات گسترده «صحیه کل مملکتی» در تأمین پزشکان برای استان‌ها-دولتمردان را به تأمل واداشت. برای رفع این مشکل، پیشنهاد شد با ایجاد محدودیت‌های معیشتی برای پزشکان در پایتخت، برخی از آن‌ها ناچار به خدمت در مناطق محروم و روستایی شوند تا شهرهای کوچک نیز به خدمات پزشکی دسترسی پیدا کنند. سیاست‌گذاران ایرانی همچنین مهاجران پزشک آلمانی را به‌عنوان منبعی ارزشمند برای توسعه نظام پزشکی کشور قلمداد کردند. به گفته غفاری، برخلاف ایران، بسیاری از کشورهای جهان با استفاده از سیاست یهودستیزانه آلمان نازی، این پزشکان را جذب کرده بودند. او تأکید داشت که پزشکان آلمانی یهودی، که از وطن خود رانده شده بودند، با قصد اقامت بلندمدت به ایران می‌آمدند و معمولاً تمایلی به ترک کشور نداشتند. این دیدگاه، پاسخی به نگرانی‌هایی بود که ورود پزشکان خارجی را معادل خروج ارز و سرمایه از ایران می‌دانستند. در نتیجه، سیاست دولت ایران در این دوره نشان‌دهنده تلاش اولیه برای بهره‌برداری از ظرفیت متخصصان آلمانی به‌عنوان بخشی از برنامه‌های نوسازی کشور بود (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۸۲۴). یک ماه پس از این رویداد، موضوع رسیدگی به درخواست‌های مهاجرت پزشکان و متخصصان آلمانی یهودی به ایران، در دولت به‌صورت جدی مطرح شد. وزارت داخله در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت، محمدعلی فروغی، این موضوع را پیگیری کرد. تا آبان‌ماه ۱۳۱۲، تعداد درخواست‌های مهاجرت به اندازه‌ای افزایش یافته بود که عدم تصمیم‌گیری قاطع دولت، نارضایتی متقاضیان و مسئولان دولتی را به همراه داشت (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۵۸۸۲). به همین دلیل، دولت تصمیم گرفت تا با تعیین شرایط دقیق، به این درخواست‌ها پاسخ دهد. براساس این تصمیم، دولت قصد داشت مناطقی را برای اسکان مهاجران مشخص کند و تنها به افرادی که دارای سرمایه یا تخصص فنی باشند، اجازه اقامت دهد. با این حال، موافقت وزارت مالیه برای واگذاری زمین به مهاجران، شرط اصلی این تصمیم بود (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۸۷، ۵۸۸۲).

مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۱۵ش قانون اجازه جذب و استخدام دکتر کوخ، پزشک آلمانی، برای تدریس در دانشگاه نوبنیاد تهران را صادر کرد که وضعیت یهودی بودن

وی در هاله از ابهام است (ساکما، ۳۱۰/۴۶۲۰۷، ۱۱۳۳۴). سندی دیگر به استخدام دکتر ماکس مایر، پزشک و مدرس آلمانی یهودی، در دانشگاه تهران مربوط می‌شود؛ بنابراین سند، هیئت‌وزیران در سال ۱۳۱۹ش استخدام او را به‌عنوان مدرس گوش و حلق و بینی تصویب کردند (ساکما، ۳۱۰/۴۶۷۰۶). دکتر ماکس مایر به‌عنوان یکی از پیشگامان آموزش رشته گوش و حلق و بینی در تاریخ پزشکی ایران شناخته می‌شود. همچنین، در سال ۱۳۱۴ ش، «صحیة کل مملکتی» تمایل داشت تا پروفسور ملخیو، پزشک آلمانی یهودی، را به‌عنوان مستشار استخدام کند. وی شرایط خود را در نامه‌ای به این نهاد ارسال کرد (ساکما، ۳۱۰/۱۰۱۵۵). در سال ۱۳۱۸ ش، سند دیگری به استخدام دکتر آلفرد کن، پزشک آلمانی، در اداره بهداشتی وزارت کشور و میزان حقوق و مزایای او اشاره دارد (ساکما، ۳۱۰/۴۶۴۱۴).

پزشکان آلمانی یهودی در زمینه جراحی نیز در ایران فعال بودند. برای مثال، دکتر آلفرد کوهن، جراح آلمانی یهودی، ابتدا در سال ۱۳۱۵ش در بیمارستان شهرداری اصفهان (ساکما، ۳۱۰/۴۶۷۲۴) و سپس در بیمارستان شاه رامسر مشغول به کار شد (ساکما، ۳۱۰/۴۶۲۰۹). ساکما، ۲۵۱/۳۱۵۶). او در سال ۱۳۲۱ش به بیمارستان آمریکایی همدان رفت و به‌عنوان جراح ارشد ادامه فعالیت داد. دلیل ترک بیمارستان شاه در رامسر، جلوگیری از اقامت او در مازندران پس از اشغال ایران توسط نیروهای روسی بود (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۲۴۰). دکتر هاینز والتر فوکس، شهروند آلمانی یهودی، در سال ۱۳۱۳ش برای کار طبابت در ایران درخواست داد (ساکما، ۲۹۷/۳۵۱۹۱). به نظر می‌رسد این تقاضا پذیرفته شده، زیرا او همان سال درخواست واردات فیلم‌های آموزشی درباره بیماری‌های سفلیس و مالاریا و تأمین هزینه سفر به نقاط مختلف ایران برای سخنرانی‌های آموزشی را کرد (ساکما، ۲۹۱/۹۰۲). دکتر فوکس در سال ۱۳۱۵ش پیشنهاد تأسیس آسایشگاه معلولین در اصفهان را داد که در نتیجه معاون رئیس‌کل صحیة مملکتی به این منطقه رفت (ساکما، ۲۹۳/۷۰۴۷). وی در سال ۱۳۱۹ش به استخدام بیمارستانی در کرمانشاه درآمد (ساکما، ۳۱۰/۴۶۴۵۵). نکته جالب این است که پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۴ ش، او خواهان بازگشت به منصب مدیریت بیمارستان گلستان اصفهان شد که پیش‌تر در اختیار او بود (ساکما، ۳۱۰/۶۹۳۴۹).

علاوه بر پزشکان، دولت ایران در خردادماه ۱۳۲۰ش برای تأمین پرستار برای بیمارستان

پانصد تخت‌خوابی تهران با دولت آلمان مذاکراتی انجام داد؛ دولت خواهان استخدام دو بانوی آلمانی به‌عنوان سرپرستار و معاون سرپرستار و همچنین ۲۸ پرستار آلمانی دیگر برای این بیمارستان بود (ساکما، ۲۷۰/۵۲۱، ۳۳۷۷). شایان ذکر است که مهندسان آلمانی ساخت این بیمارستان را نیز انجام داده بودند (ساکما، ۳۱۰/۴۲۴۰۶). همچنین، نمونه‌ای از مکاتبات اداره کل بودجه وزارت دارایی با اداره بازنشستگی کشوری در خصوص استخدام «هدریک مارکوارت»، تبعه آلمانی به‌عنوان مدیر آموزشگاه پرستاری مشهد وجود دارد (ساکما، ۲۵۱/۹۵۲۶). یکی از نمونه‌های حضور پرستاران آلمانی در ایران در دوره رضاشاه، بیمارستان رضا نور بود که در سال ۱۳۱۴ش در تهران گشایش یافت. این بیمارستان شامل بخش‌های رادیولوژی، الکتروترایی و هیدروترایی و دارای بخش‌های عمومی، اتاق‌های خصوصی و سالن‌های دوخت‌خوابی با تمامی امکانات لازم بود. تجهیزات بیمارستان توسط شرکت آلمانی سانیتاز ساخته شده بود که در آن زمان به‌تازگی در فرانسه مورد استفاده قرار می‌گرفت (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۱۵۵-۱۵۶). علاوه بر کار در بیمارستان‌ها، فعالیت پزشکان آلمانی به تأسیس و ساخت بیمارستان‌ها در ایران نیز مربوط می‌شد. برای مثال، در سال ۱۳۰۸ش، دو پزشک آلمانی بیمارستانی کوچک در ارومیه تأسیس کردند (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۵۵۷). همچنین، دکتر شالک، پزشک آلمانی عضو میسیونری آمریکا در آذربایجان، برای خرید زمین به‌منظور ساخت بیمارستانی در مهاباد درخواست داد (ساکما، ۳۱۰/۷۴۶۸۲).

۲.۲ نقش پزشکان آلمانی یهودی در واردات تجهیزات پزشکی به ایران

اسناد موجود بر اهمیت واردات ماشین‌آلات پزشکی در کشوری که به‌تازگی وارد مرحله توسعه صنعتی شده، تأکید دارند. به‌عنوان نمونه، در بحث‌های درون‌وزارتخانه‌ای پیرامون استخدام یک پزشک یهودی، مسئله واردات تجهیزات پزشکی برای ولایات مختلف که نیاز مبرمی به این دستگاه‌ها داشتند، مطرح شد. پیشنهاد شد که در صورت موافقت هیئت دولت، می‌توان این تجهیزات را بدون نیاز به خروج ارز از کشور وارد کرد (ساکما، سند شماره ۳۱۰/۱۳۰۶۷، ۸۳۶۲). رئیس صحنه کل مملکتی نیز در نامه‌ای به وزارت داخله بر این موضوع تأکید کرد و نوشت: «از آنجایی که کشور به متخصصان خبره و ماشین‌آلات پزشکی نیاز دارد و مهاجران آمادگی دارند تا تجهیزات فنی خود را نیز به همراه بیاورند، می‌توان این

دستگاه‌ها را بدون صرف هزینه ارزی وارد کشور نمود» (ساکما، ۳۱۰/۱۳۰۶۷، ۱۷۷۵۵). برخی از پزشکان آلمانی به این تعهد عمل کردند. برای نمونه، طبق سندی متعلق به سال ۱۳۱۲ شمسی، دکتر نومان، متخصص بیماری‌های داخلی (گوارش)، تعدادی دستگاه و ابزارآلات پزشکی، از جمله یک دستگاه اشعه ایکس، را از طریق گمرک خرمشهر به ایران وارد کرد (ساکما، ۲۴۰/۹۲۲۹۳، ۳۸۲۰۵۰). او همچنین از دولت ایران درخواست معافیت عوارض گمرکی برای این تجهیزات را ارائه نمود (ساکما، ۳۱۰/۲۷۳).

۳.۲. پزشکان آلمانی یهودی در بیمارستان شاه‌رضای مشهد

از پاییز ۱۳۱۲ خورشیدی / دسامبر ۱۹۳۳ میلادی، رضاشاه به دنبال استخدام مدیری برای بیمارستان شاه‌رضا در مشهد بود. این موضوع بیش از یک سال به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت ایران تبدیل شد. در این مدت، بسیاری از پزشکان آلمانی یهودی برای این سمت در نظر گرفته شدند. سرانجام، در سپتامبر ۱۹۳۴، زیگفرید هامر/اشلاگ، متخصص زنان، موفق به دریافت ویزا شد و اندکی بعد به مشهد وارد شد (ساکما، ۳۱۰/۱۰۱۲۸، ۶۱). هامر/اشلاگ احتمالاً مشهورترین پزشک یهودی آلمانی در ایران بود. خود رضاشاه از سال ۱۹۳۳ به‌طور ویژه بر استخدام یکی از پزشکان یهودی آلمانی برای این سمت تأکید داشت (آذری شهرضایی، ۱۳۷۴: ۸۷).

پس از انتصاب مدیر بیمارستان شاه‌رضا، سه پروفسور آلمانی، چند پزشک آلمانی یهودی که در پی رهایی از یهودی‌ستیزی آلمان نازی بودند، به همراه چند پرستار و یک رادیولوژیست آلمانی نیز در این بیمارستان مشغول به کار شدند (فلور، ۱۴۰۰، الف: ۳۵۶-۳۵۷). رادیولوژیست آلمانی به نام کاترشتین وظیفه مدیریت بخش تصویربرداری را بر عهده داشت و با پنج دستگاه رادیولوژی، دیاترمی، و نورهای فرابنفش کار می‌کرد. او همچنین از همکاری یک تکنیسین آلمانی برای کار با دستگاه اشعه ایکس بهره‌مندی برد (Presbyterian Historical Society in Philadelphia, RG 91-20-2, Mashhad Medical Report 1935-1936).

۳. نگرانی‌های سیاسی و تأثیر تبلیغات نازیسم بر پذیرش یهودیان مهاجر آلمانی در ایران

بررسی‌های دقیق‌تر اسناد نشان می‌دهد که در دیدگاه سیاسی ایرانیان، نگرانی‌هایی درباره افزایش نفوذ یهودیان مهاجر در ایران وجود داشت. به‌عنوان مثال، سفارت ایران در برلین در نامه‌ای به وزارت امور خارجه پیشنهاد می‌کند که مطالعات و بررسی‌های کافی درباره سفر یهودیان به ایران انجام شود، زیرا این مسئله ممکن است در آینده بر زندگی اجتماعی ایران، به‌ویژه در تهران، تأثیر بگذارد. براساس این گزارش، یهودیان معمولاً در هر مکانی که گرد هم می‌آیند، به‌تدریج سعی می‌کنند کنترل تجارت و بازرگانی را به دست گیرند و نفوذ خود را گسترش دهند. سفارت همچنین به‌صراحت اشاره می‌کند که یهودیان ایرانی تاکنون تأثیر قابل‌توجهی در زندگی اجتماعی کشور نداشته‌اند، اما یهودیان خارجی ممکن است به اقدامات مختلفی دست بزنند، خود را در امور گوناگون دخالت دهند، و به‌تدریج در مسائل مهم حکومتی نفوذ پیدا کنند (ساکما، ۱۳۰۶/۳۱۰، ۸۸۷). با توجه به چنین بدگمانی شدیدی، بعید نیست که تبلیغات یهودستیزانه نازی‌ها بر دیدگاه کارکنان سفارت ایران در برلین تأثیر گذاشته باشد؛ نگرانی دیگر، ترس از خشمگین کردن دولت آلمان بود. چند ماه پیش از حمله نیروهای متفقین به خاک ایران در شهریور ۱۳۲۰/ سپتامبر ۱۹۴۱، اروین ایتل^۱، آخرین سفیر آلمان نازی در تهران، به درخواست دولت آلمان تلاش کرد مقامات ایرانی را متقاعد کند تا کارشناسان آلمانی یهودی و دیگر یهودیان مهاجر را که به ایران پناه آورده بودند، به‌سرعت از کشور اخراج کنند، اما دولت ایران در برابر این خواسته مقاومت کرد و از انجام آن خودداری نمود. درنهایت، در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۲۰/ ۲ ژوئن ۱۹۴۱، سفیر آلمان در گزارشی به برلین اعلام کرد که مقامات ایرانی درخواست اخراج یا استرداد آلمانی‌های یهودی را نپذیرفته‌اند و دلیل آن را نیاز کشور به تخصص و توانایی‌های این کارشناسان یهودی در برنامه‌های نوسازی ایران عنوان کردند (مه‌راد، ۱۳۸۰: ۸۴). با این حال، سران ایران همچنان نگران بودند که پذیرش شمار زیادی از یهودیان مهاجر آلمانی روابط میان ایران و آلمان را تیره کند. همچنین، برخی پژوهشگران بر این باورند که

1. Erwin Ettel

ایران ممکن است برای مهاجران آلمانی یهودی پلی برای مهاجرت به کشورهای دیگر بوده باشد و در حقیقت، قصد آن‌ها اقامت دائمی در ایران نبوده‌است (علی‌اصفهانی و الهیاری‌بیک، ۱۳۹۳: ۲۶۹).

داده‌ها و اطلاعات جدول زیر و اسناد دولتی موجود، گواه بر آن است که شمار زیادی از آلمانی‌های یهودی، از جمله پزشکان یهودی، پس از پایان جنگ جهانی دوم به آمریکا، فلسطین و مقاصد دیگر مهاجرت کرده‌اند. درحالی‌که تعداد افرادی که مانند دکتر هامراشلاگ تا پایان عمر در ایران باقی ماندند، اندک بوده‌است.

نام	تاریخ ورود	پیشه	جزئیات
آلفرد کوهن ^۱	۱۹۳۶م	پزشک، جراح	<ul style="list-style-type: none"> • او در سال ۱۹۳۶م نخست در بیمارستان شهرداری اصفهان و سپس در همان سال در بیمارستان شاه رامسر مشغول به کار شد. • او در سال ۱۹۴۲م به بیمارستان آمریکایی همدان رفت.
ارنست بلومنفلد ^۲	۱۹۳۴م	پزشک، متخصص داخلی	<ul style="list-style-type: none"> • او در سال ۱۹۲۸م پس از سال‌ها تدریس در آلمان به درجه پروفسوری رسید. • در سال ۱۹۳۳م، او را به دلیل یهودی بودن از کار اخراج می‌گردد. • در سال ۱۹۳۴م به ایران مهاجرت و با دکتر جولیان آرندت، دکتر نوسن و دکتر زیگفرید هامراشلاگ، برای ساخت مرکز آموزش زنان و زایمان در بیمارستان شاه‌رضای مشهد همکاری نمود.^۳
اروین پیز ^۴		پزشک، متخصص اطفال	<ul style="list-style-type: none"> • او در سال ۱۹۴۱م به آمریکا مهاجرت نمود.^۵

1. Alfred Cohn
2. Ernst Blumenfeldt

۳. ساکما، ۲۰۱۲، ۳۱۰/۱۰۱۴، ۹۹۴۰/۱۰۱۴.

4. Erwin Pese
5. <https://jamanetwork.com/journals/jamapediatrics/article-abstract/500934>

<ul style="list-style-type: none"> • اندکی پس از به قدرت رسیدن هیتلر، به اولریش سالفلد پیشنهاد شد در تهران یک دانشکده پزشکی و پوست را اداره کند و همچنین در بیمارستانی هزار تختخوابی مشغول به کار شود. • او و همسرش در اواخر دهه ۶۰ میلادی پس از بازنشستگی وی، ایران را به مقصد لندن ترک نمودند.^۲ 	<p>پزشک، متخصص پوست</p>		<p>اولریش سالفلد^۱</p>
<ul style="list-style-type: none"> • او در سال ۱۹۳۴م در بیمارستان شاهرضای مشهد مشغول به کار شد. 	<p>پزشک</p>	<p>۱۹۳۴م</p>	<p>برتا استرن^۳ جولیان آرندت^۴</p>
<ul style="list-style-type: none"> • از اول نوامبر ۱۹۳۳م، هامراشلاگ به دلیل اصالت یهودی خود مجبور به بازنشستگی اجباری در آلمان شد. • احتمالاً در اواخر سال ۱۹۳۴م وارد ایران شد. او در بیمارستان شاهرضای مشهد مشغول به کار شد و در آنجا نیز با همکاری دکتر جولیان آرندت، دکتر نوسن و دکتر ارنست بلومنفلد، مرکزی برای آموزش زنان و زایمان بنا کرد. • او با یک پرستار آلمانی در ایران زندگی می کرد و از او صاحب یک فرزند شد. این زن یهودی نبود و به همین دلیل در آلمان به دلیل «خسارت به نژاد» (راسنشانده) محکوم شد. • هامراشلاگ هرگز به آلمان بازنگشت، در 	<p>پزشک، متخصص زنان و زایمان</p>	<p>۱۹۳۴م</p>	<p>زیگفرید هامراشلاگ^۵</p>

1. Ulrich Saalfeld

2. <https://www.refugeemap.org/map/records/ulrich-and-margrit-saalfeld-1933-1963>

3. Bertha Stern

4. Julian Arendt

5. Siegfried Hammerschlag

سال ۱۹۴۰م تابعیت ایران را گرفت و همچنین در سال ۱۹۴۸م در سن ۷۷سالگی در ایران درگذشت.			
<ul style="list-style-type: none"> • او همسر یواخیم فردریش لپمن مهندس آلمانی مشغول به کار در ایران بود. • او در سال ۱۹۳۶ به مدت یک سال در مرکز سلامت کودک در تهران مشغول به کار بود.^۲ • او در سال ۱۹۴۷م با همسرش ایران را به مقصد آمریکا ترک نمود.^۳ 	پزشک، متخصص اطفال	۱۹۳۴م	فانی ماریان همپل ^۱
<ul style="list-style-type: none"> • او تکنیسین دستگاه اشعه ایکس بود و یک دستگاه اشعه ایکس نیز با خود به ایران آورده بود. • او در سال ۱۹۴۰م در تهران در سن ۴۹سالگی درگذشت.^۴ 	پزشک، متخصص (داخلی) گوارش	۱۹۳۳م	کورت اریش نومان ^۴
	دانشمند آزمایشگاه پزشکی		گیزلا شیدل ^۶
<ul style="list-style-type: none"> • نازی‌ها در سال ۱۹۳۵م مجوز طبابت او را به دلیل یهودی بودن باطل کردند. • او در سال ۱۹۴۰م در کلینیکی در آنکارا مشغول به کار شد. • دکتر مایر در سال ۱۹۴۱م در کرسی گوش و حلق و بینی به استخدام دانشگاه تهران درآمد. 	پزشک، متخصص گوش و حلق و بینی	۱۹۴۱م	ماکس مایر ^۷

1. Fanny Marianne Hempel

۲. فلور، ۱۴۰۰، ب: ۲۳۱.

3. <https://www.stolpersteine-berlin.de/en/siegmunds-hof/1/joachim-friedrich-leppmann>

4. Kurt-Erich Neumann

5. <https://www.geni.com/people/Dr-med-Kurt-Neumann/6000000040028899844>

6. Gisela Scheidel

7. Max Meyer

• او در سال ۱۹۴۷م به آلمان بازگشت و در آنجا به درجهٔ استادتمامی رسید. ^۱			
• او در سال ۱۹۳۴م به ایران آمد و در بیمارستان شاه‌رضای مشهد مشغول به کار شد.	پزشک	۱۹۳۴ م	نوسن ^۲
	پزشک، مدیر بیمارستان	۱۹۳۵ م	هاینز والتر فوکس ^۳
• او در سال ۱۹۳۴م توسط وزارت داخله برای کار به مشهد فرستاده و در آنجا مطب دندانپزشکی زد. • پیشهٔ وی همراه با موفقیت نبود. او باور داشت چون مسلمان نبوده کارش همراه با موفقیت نبوده‌است. • خانواده‌اش از برلین از طریق بسته‌های پستی با او در تماس بودند. • در سال ۱۹۳۵م او نخست به فلسطین و سپس در سال ۱۹۳۸م به آمریکا مهاجرت نمود. • موزهٔ یهودی برلین اسناد هربرت شوالبه را در سال ۲۰۰۸م به دست آورد. ^۵	دندانپزشک	۱۹۳۳ م	هربرت شوالبه ^۴
	پزشک، استاد دانشگاه		ویلی هاس ^۶

(Herbert A. Strauss and Werner Röder, 1999).

1. Julius-Maximilians-Universität Würzburg: Vorlesungs-Verzeichnis für das Sommer-Halbjahr 1948. Universitätsdruckerei H. Stürtz, Würzburg 1948, S. 11 und 20.
2. Nossen
3. Heinz-Walter Fuchs
4. Herbert Schwable
5. https://www.jmberlin.de/1933/en/12_25_letter-from-herbert-schwalbe-to-the-persian-minister-of-the-interior.php
6. Willy Haas

نتیجه‌گیری

نتایج و داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دولت ایران تمایل به استخدام پزشکان یهودی بی‌کار و فراری از آلمان به منظور ارتقای سطح بهداشت و درمان کشور داشته‌است. اسناد و مکاتبات مربوط به جذب و استخدام ده‌ها پزشک آلمانی یهودی این را تأیید می‌کند که هرچند دولت ایران توانسته بود از این فرصت برای بهبود بخش بهداشت و درمان بهره‌برداری کند، ترکیبی از دیوان‌سالاری معیوب و عدم درک صحیح از شرایط، مانع از استفاده بهینه از این فرصت شد. عوامل سلبی و ایجابی متعددی در رویکرد دولت ایران نسبت به این موضوع مؤثر بوده‌است. در میان عوامل سلبی، می‌توان به تصویب قوانین محدودکننده برای طبابت پزشکان بیگانه، نگرانی دولت از خروج سریع این پزشکان که به کاهش ارز و سرمایه از کشور منتهی می‌شد و همچنین دلواپسی در خصوص افزایش نفوذ اجتماعی این پزشکان و پیامدهای ناشی از آن اشاره کرد. خطر واکنش منفی مقامات دولت آلمان نسبت به جذب این پزشکان و سیاست‌های مرتبط با وزارت معارف در زمینه جذب افرادی که به زبان‌های فارسی یا فرانسه تسلط داشته‌اند، از دیگر عوامل سلبی محسوب می‌شود. در مقابل، عوامل ایجابی نیز در این زمینه دخیل بودند. نیاز شدید دولت ایران به پزشکان ماهر برای نوسازی زیرساخت‌های درمانی به دلیل کمبود پزشکان حاذق در داخل کشور از این جمله است. پزشکان یهودی آلمانی پیشنهادهای ماندگاری مانند دستمزدهای کم و تأمین تجهیزات پزشکی پیشرفته ارائه کردند که به جذب آن‌ها کمک کرد. علاوه بر این، ورود پزشکان بیگانه به شهرهای بزرگ، زمینه‌ای برای ایجاد انگیزه در پزشکان ایرانی برای کار در شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده فراهم آورد. جذب و استخدام تعداد زیادی از پزشکان آلمانی یهودی در ایران نشان‌دهنده تلاش دولت برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود است. با وجود این، تمایل دولت به برقراری تعادل میان تشویق و ممانعت از مهاجرت این پزشکان، به واسطه ناهماهنگی‌ها و سیاست‌های نادرست، موجب شده‌است دولت ایران نتواند به‌طور کامل از این فرصت بهره‌برداری نماید.

منابع

الف) منابع فارسی

کتابها

- اوبن، اوژن (۱۳۶۳). *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶ (ایران و بین‌النهرین)*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- آذری شهرضایی، رضا (۱۳۷۴). *دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۹-۱۳۱۰ ش)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- شایرر، ویلیام (۱۳۶۰). *ظهور و سقوط رایش سوم*. جلد اول، ترجمه کاوه دهگان، تهران: فردوسی.
- فلور، ویلم (۱۴۰۰). *تاریخ بیمارستان‌ها در ایران: از سال ۵۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی*. ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- فلور، ویلم (۱۴۰۰). *سراغزهای پزشکی مدرن در ایران*. ترجمه ارج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- الگود، سیریل (۱۳۵۲). *تاریخ پزشکی ایران: از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴*. ترجمه محسن جاویدان، تهران: اقبال.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.

مقاله‌ها

- علی‌اصفهانی، اعظم و الهیاری‌بیک، مهدی (۱۳۹۳). «مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین با تکیه بر دوره حکومت پهلوی اول»، *۱۵ خرداد*، ۳ (۳۹)، ۲۵۵-۲۸۰.
- موسوی‌نیا، سید رضا (۱۳۸۷). «دل بستن به نیروی سوم، راهبردی بی‌سرانجام در روابط خارجی ایران»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، (۲۵۰)، ۱۸-۳۵.
- مه‌راد، احمد (۱۳۸۰). «سرنوشت ایرانیان یهودی طی جنگ جهانی دوم در اروپا»، *مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی*، ۲ (۶)، ۶۹-۹۲.

- بختیاری، محمد و اصلاحی، متین سادات (۱۴۰۳). «بررسی سیاست‌های فقرزدایی دولت پهلوی اول بر مبنای نظریه دولت توسعه‌گرا (مطالعه موردی: اصفهان)». *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۵ (۴۱)، ۴۹-۷۷. Doi: 10.22034/JIIPH.2024.61156.2510

اسناد

- بچه‌های شوالیه به پدرشان کارت تبریک می‌فرستند، گیلوویچ، خانم کارن، *موزه یادبود هولوکاست ایالات متحده، واشنگتن دی سی*. آر جی - ۹۱، ۰۱۶۴.
- *سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)*، شماره سند ۳۱۰/۱۰۱۲۸، نمره سند ۱۳۱۴/۰۳/۰۴، ۹۹۴۰/۱۰۱۴.
- ، نمره سند ۳۱۰/۰۹/۱۱، ۶۱، ۱۳۱۳/۰۹/۱۱.
- ، شماره سند ۳۱۰/۱۰۱۵۵، ۱۳۱۴.
- ، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۰۶، نمره سند ۸۸۷، ۱۳۱۷/۰۳/۳۰.
- ، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۶۷، نمره سند ۱۷۷۵۵، ۱۳۱۲/۰۶/۱۴.
- ، نمره سند ۸۳۶۲، ۱۳۱۲/۰۵/۰۳.
- ، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۱۸۶۹۱، ۱۳۱۲/۰۸/۲۲.
- ، نمره سند ۱۲۲۸۰/۲۵۶۴۱، ۱۳۱۲/۱۰/۰۴.
- ، نمره سند ۳۲۱۳۴، ۱۳۱۲/۰۸/۳۰.
- ، نمره سند ۳۰۳۱۶/۳۸۳۳۹، ۱۳۱۲/۱۱/۱۴.

- -----، شماره سند ۳۱۰/۲۷۳، ۱۳۱۳.
- ، شماره سند ۲۵۱/۳۱۵۶، ۱۳۱۷-۱۳۲۲.
- ، شماره سند ۲۹۷/۳۵۱۹۱، ۱۳۱۳.
- ، شماره سند ۳۱۰/۴۲۴۰۶، ۱۳۱۵.
- ، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۷، ۱۱۳۳۴، نمره سند ۱۱۳۳۴،
-----، ۱۳۱۵/۰۹/۰۹.
- ، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۹، ۱۳۱۵.
- ، شماره سند ۳۱۰/۴۶۴۱۴، ۱۳۱۸.
- ، شماره سند ۳۱۰/۴۶۴۵۵، ۱۳۱۹.

-----، نمره سند ۵۳۵۱،
-----، ۱۳۱۲/۱۲/۰۷.

-----، نمره سند ۵۸۸۲،
-----، ۱۳۱۲/۰۸/۱۴.

-----، نمره سند ۶۶۴۱،
-----، ۱۳۱۲/۱۰/۳۰.

-----، نمره سند ۷۴۰۹،
-----، ۱۳۱۲/۱۱/۱۷.

-----، نمره سند ۷۵۵۸،
-----، ۱۳۱۲/۱۱/۲۲.

-----، نمره سند ۸۲۴،
-----، ۱۳۱۲/۰۷/۲۱.

-----، نمره سند ۷۵۰/۹۰۷،
-----، ۱۳۱۲/۱۱/۲۴.

-----، شماره سند ۳۱۰/۲۷۳، ۱۳۱۳.

-----، شماره سند ۲۵۱/۳۱۵۶، ۱۳۱۷-۱۳۲۲.

-----، شماره سند ۲۹۷/۳۵۱۹۱، ۱۳۱۳.

-----، شماره سند ۳۱۰/۴۲۴۰۶، ۱۳۱۵.

-----، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۷، ۱۱۳۳۴، نمره سند ۱۱۳۳۴،

-----، ۱۳۱۵/۰۹/۰۹.

-----، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۹، ۱۳۱۵.

-----، شماره سند ۳۱۰/۴۶۴۱۴، ۱۳۱۸.

-----، شماره سند ۳۱۰/۴۶۴۵۵، ۱۳۱۹.


- شماره سند ۳۱۰/۴۶۷۰۶، ۱۳۱۹.
- شماره سند ۳۱۰/۴۶۷۲۴، ۱۳۱۵.
- شماره سند ۲۷۰/۵۲۱، نمره سند ۳۳۷۷،
۱۳۲۰/۰۳/۱۸.
- شماره سند ۳۱۰/۶۹۳۴۹، ۱۳۲۴.
- شماره سند ۲۹۳/۷۰۴۷، ۱۳۱۵.
- شماره سند ۲۹۱/۹۰۲، ۱۳۱۳/۱۲/۰۱.
- شماره سند ۲۴۰/۹۲۲۹۳، نمره سند ۳۸۲۰۵۰،
۱۳۱۲/۱۱/۱۴.
- شماره سند ۲۵۱/۹۵۲۶، ۱۳۱۹.

(ب) منابع انگلیسی

- Beate Meyer, Hermann Simon, Chana Schutz. (2009). *Jews in Nazi Berlin, From Kristallnacht to Liberation*. University of Chicago Press, USA.
- Herbert A. Strauss and Werner Röder. (1999). *International Biographical Dictionary of Central European Émigrés (1933-1945)*. Institut für Zeitgeschichte, München.
- Julius-Maximilians-Universität Würzburg: *Vorlesungs-Verzeichnis für das Sommer-Halbjahr 1948*. Universitätsdruckerei H. Stürtz, Würzburg 1948, S. 11 und 20.
- *Presbyterian Historical Society in Philadelphia*, RG 91-20-2, Mashhad Medical Report 1935-1936.
- Von Blücher, Wiport. (1949). *Zeitenwende im Iran: Erlebnisse und Beobachtungen*. Koehler & Voigtländer, Deutschland.
- Weindling, P. (1989). *Health, Race and German Politics Between National Unification and Nazism (1870-1945)*. Cambridge University Press, Cambridge.

وبگاهها

- <https://berlingeschichte.de/bms/bmstext/9809porc.htm>
- <https://jamanetwork.com/journals/jamapediatrics/article-abstract/500934>
- <https://www.geni.com/people/Dr-med-Kurt-Neumann/6000000040028899844>
- https://www.jmberlin.de/1933/en/12_25_letter-from-herbert-schwalbe-to-the-persian-minister-of-the-interior.php
- <https://www.refugeemap.org/map/records/ulrich-and-margrit-saalfeld-1933-1963>
- <https://www.stolpersteine-berlin.de/en/siegmunds-hof/1/179oachim-friedrich-leppmann>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست‌ها



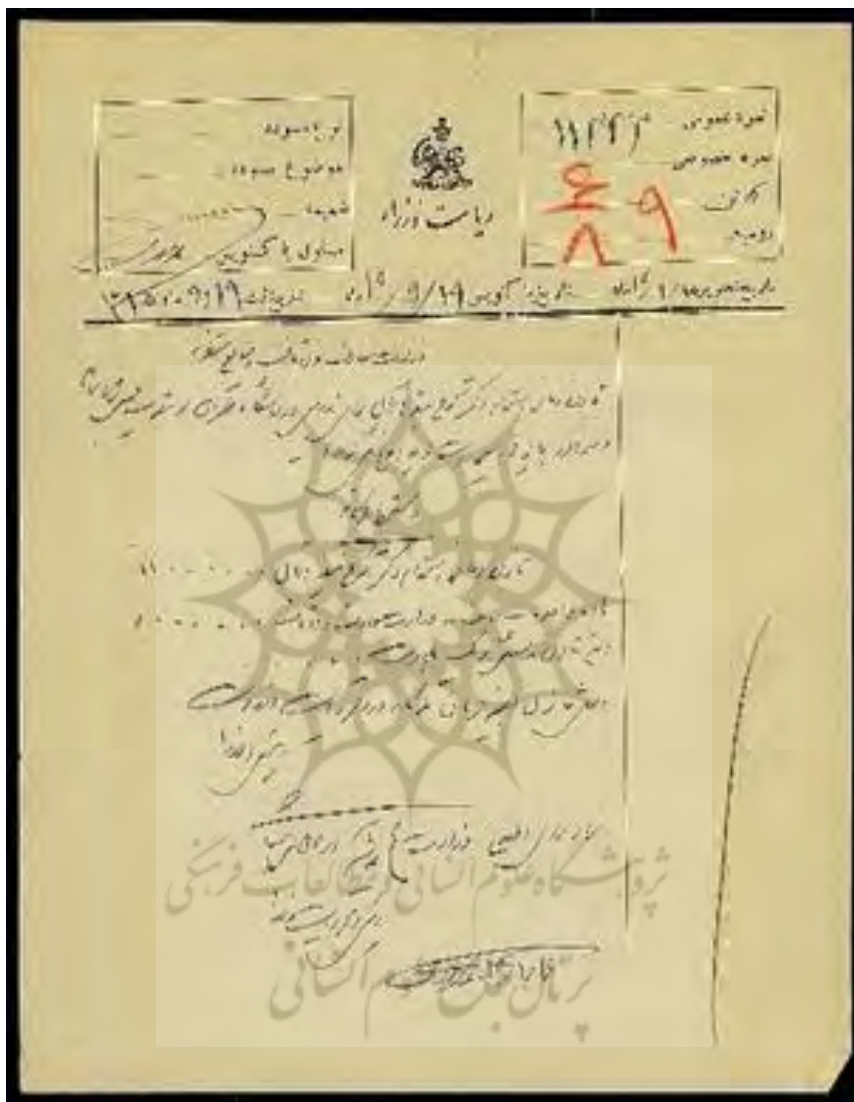
تصویر ۱: تصویری از دکتر زیگفرد هامراثسلاگ، یکی از پزشکان مشهور آلمانی یهودی^۱

1. <https://berlingeschichte.de/bms/bmstext/9809porc.htm>



تصویر ۲: پرستاران آلمانی یهودی بیمارستان شاهرضا^۱

۱. فلور، ۱۴۰۰، الف: ۳۵۹.



تصویر ۴: نامه ریاست‌وزرا به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در خصوص استخدام دکتر کوخ تبعه آلمان جهت تدریس در دانشگاه تهران^۱

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۴۶۲۰۷، نمره سند ۱۱۳۳۴، ۱۳۱۵/۰۹/۰۹.



تصویر ۶: نامه «حسنعلی غفاری»، وزیر مختار وقت ایران در بلژیک به وزارت امور خارجه ایران درباره جذب پزشکان یهودی^۱

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۸۲۴، ۱۳۱۲/۰۷/۲۱.



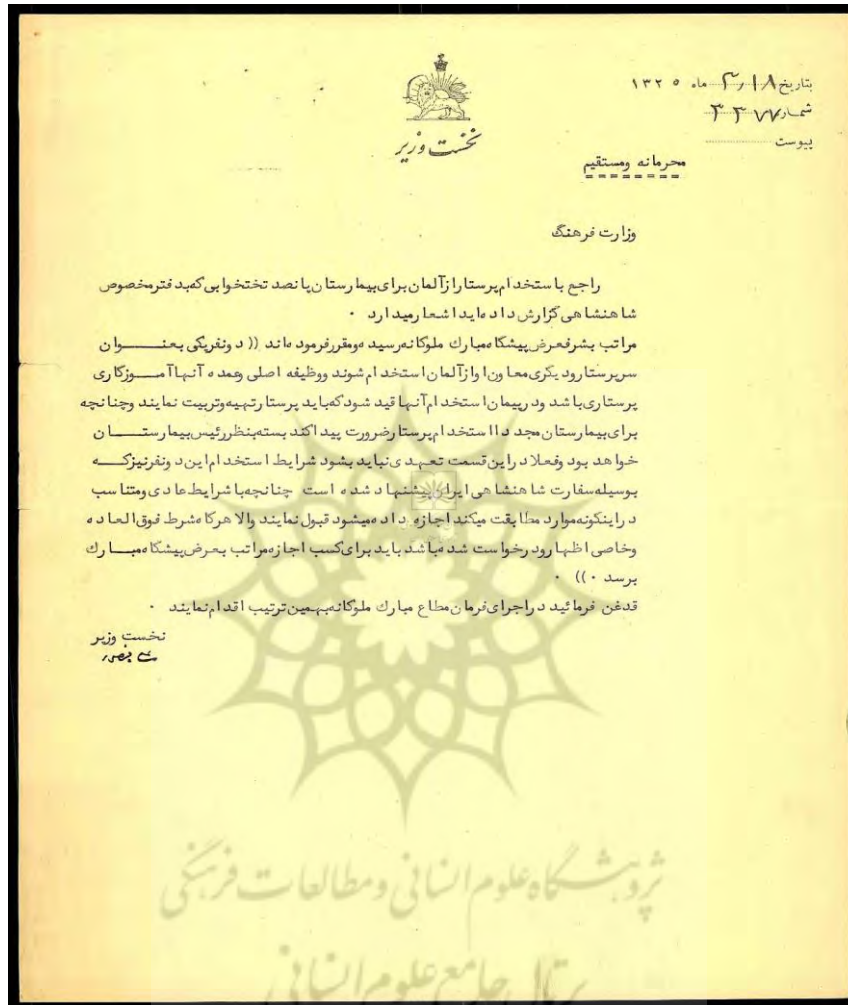
تصویر ۷: نامه سفارت ایران در بغداد به وزارت امور خارجه درباره موضوع مهاجرت پزشکان آلمانی یهودی به ایران^۱

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۱۳۰۸۷، نمره سند ۵۳۵۱، ۱۳۱۲/۱۲/۰۷.

اصفهان - اول اسفند ۱۳۱۳
 مقام منبع حضرت ابرف حکمران جلیله اصفهان راست خطه
 با کمال توقیر و احترام خاطر عالی را تحفه می‌دارد و فوق العاده تحفه می‌دهم که در این عرصه با قابل
 از مراسم و الطاف حضرت ابرف و از اطمینان و اعتماد و وزارت جلیله داخله
 بنده در مراسم مورخ ۱۱ بهمن ۱۳۱۳ برابر فرموده اند اظهار تشکر و امتنان بنجام و همچنین
 به اندازه سعادت منم از اینکه اجازه حضوره اند بندگنفر اسباب طبع در نقاط مختلفه ایران توده
 و ضمیمه مربوط با مرض مالاریا و سفلیس را در کتب از این لحاظ بجز در وقت مراد حضرت
 ابرف بلافاصله بخانه ضمیمه مزبور کاغذ مرسته اطلاعات جامع را جمع بقیعت و در کتب
 ضمیمه خواسته ام. و اما پیشینها در بندگنفر من کتبها بقرار ذیل است:
 بنده احتیاج به یک اثر منبر برای سفر بنده در نقاط مختلفه بکنفرانم و بکنفرانم در روز
 حوهران حقوق دارم. و باید من کتبها را به زبان فارسی اول و نام و نه بر اسطر محرم بکنفران
 کاظم با این زبان عربی نام سنوالاتیکه بعد از کنفرازم رسیده خواهد شد بجز به عبار دوم
 در صورتیکه حضرت ابرف و وزارت جلیله داخله مایل باشند در اغلب کتبها هم ایران
 نطق با فرموده را برادکنم کجا کنم سه ماه کاغذ باشد. در این صورت خواهم منم است
 اسمی هر یک از کتب تکمیل نظر حضرت ابرف واقع شده اند. بنده اطلاع دهنده
 گاه مدار خاتمه احقرات فائده و شکرات صمیمانه را تقدیم می‌دارد
 دکتر زکریا

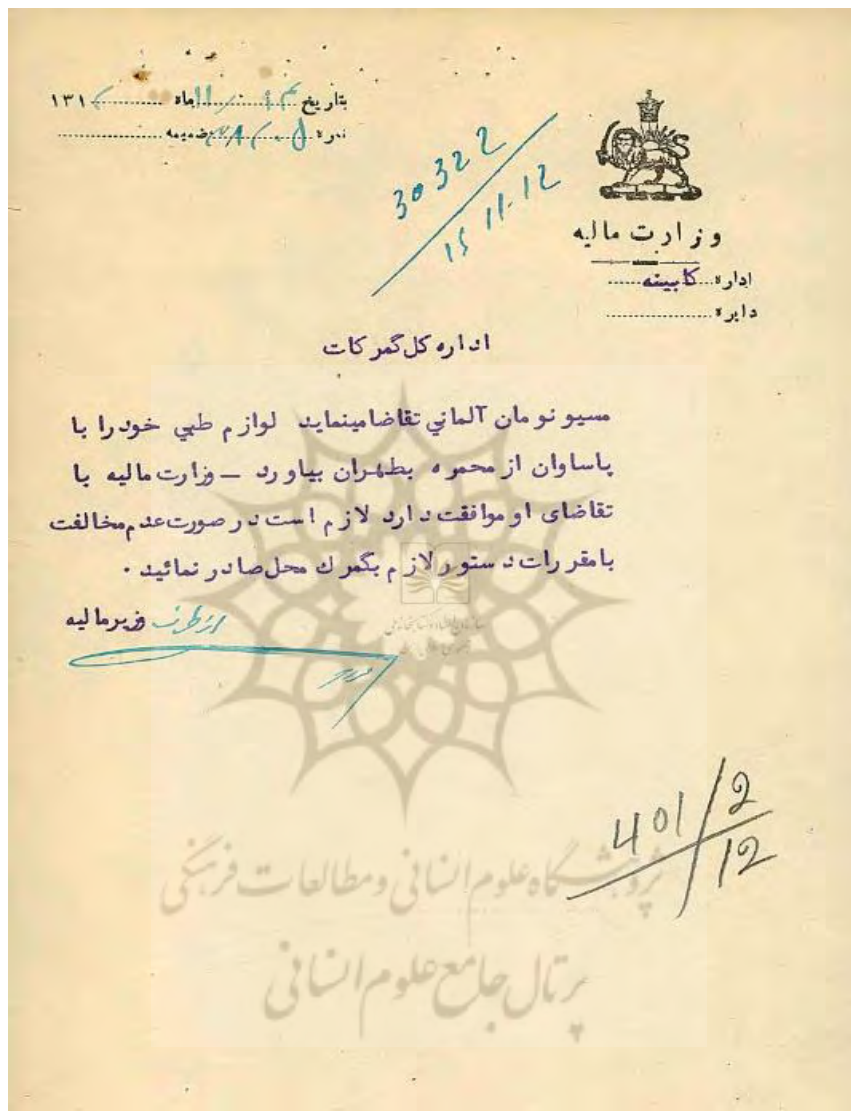
تصویر ۸: نامهٔ دکتر آلمانی یهودی فوکس برای درخواست ورود فیلم‌های آموزشی دربارهٔ بیماری سفلیس و مالاریا به ایران و پرداخت هزینهٔ سفر او به نقاط مختلف ایران برای سخنرانی آموزشی دربارهٔ این بیماری‌ها از سوی دولت^۱

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۹۱/۹۰۲، ۱۳۱۳/۱۲/۰۱.



تصویر ۹: نامه محرمانه نخست‌وزیر علی منصور به وزارت فرهنگ در زمینه استخدام سرپرستار و معاون سرپرستار از آلمان برای کار در بیمارستان پانصد تختخواهی^۱

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۷۰/۵۲۱، نمره سند ۳۳۷۷، ۱۳۲۰/۰۳/۱۸.



تصویر ۱۰: نامه وزیر مالیه به اداره کل گمرکات در زمینه تجهیزات پزشکی دکتر نومان^۱

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۴۰/۹۲۲۹۳، نمره سند ۳۸۲۰۵۰، ۱۳۱۲/۱۱/۱۴.